

بِه نام خداوند بخشنده مهربان

عنوان مقاله: بررسی نقش آموزش و پرورش در تولید علم و
موانع و چالش های آن

نویسنده: سیدمهدی حسینی

مدرک: فوق لیسانس مدیریت آموزشی

محل کار: مجتمع نمونه وین الملل توحید پسران دبی

زمان: دی ماه ۸۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	چکیده
۱	مقدمه
۲	مفهوم آموزش و پرورش
۲	مفهوم و معنای تولید علم و جنبش نرم افزاری
۳	ضرورت های تحقق تولید علم
۴	پیشینه تولید علم و جنبش نرم افزاری
۵	روند تولید علم در جهان و ایران
۵	نقش آموزش و پرورش در تولید علم
۶	موانع و چالش های تولید علم در آموزش و پرورش
۶	۱- نیروی انسانی
۹	۲- روش های تدریس و فرایند یاددهی - یادگیری
۱۰	۳- عدم شکوفایی روحیه ی پرسشگری
۱۱	۴- خلاقیت گمشده ی محیط های آموزشی
۱۲	۵- سیستم متمرکز در آموزش و پرورش
۱۲	راهکارهای مقابله با تولید علم در آموزش و پرورش
۱۲	۱- اصلاح و بازنگری در نظام آموزش و پرورش
۱۵	۲- تحول ساختاری در سیستم آموزش و پرورش
۱۷	نتایج
-	منابع

چکیده :

امروزه دانایی و به اشتراک گذاشتن آن کلید توانایی است و برتری و قدرت از آن کسی است که بیشتر از سایرین در زمینه دانایی و سهیم کردن دیگران از نتایج تلاش علمی خود می‌کوشد. دنیای غرب با تکیه بر برتری علمی، تسلط خود را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر دیگر کشورها گسترانیده است و ایدئولوژی غرب را بعنوان ایدئولوژی برتر در مقابل ایدئولوژی اسلام قرار داده است و از همه ی امکانات دنیای اسلام به نفع اهداف شوم خود استفاده می‌کند بر همین اساس سکاندار کشتی انقلاب، رهبر معظم با درایت و بینش عمیق خود اهمیت مساله رادارک نمودند و نظریه تولید علم و جنبش نرم افزاری رامطرح نمودند و آن را بعنوان اولویت کشور و ضامن موفقیت همه ی برنامه ها خصوصا برنامه چشم انداز بیست ساله کشور دانستند و از همه ی سازمان ها و واحدها خواستند در راه تحقق آن گام بردارند تا در سایه تولید علم و کشف مرزهای جدید دانش، بار دیگر ایران اسلامی به اوج افتخار و برتری خود همانند دوران ابن سینا، فارابی و زکریا رازی و... برسد و دیگران را مدیون تلاش های علمی خود سازد. با استناد شواهد تاریخی و آزمایش در میدان های علمی و تأیید رهبر معظم انقلاب هوش و اراده فرزندان ایران اسلامی برتر و بالاتر از سایر ملت ها است و با تکیه بر این خصیصه ذاتی خدادادی می توان قله های فتح نشده ی علمی را یکی پس از دیگری تسخیر نمود که دستیابی به دانش هسته ای و سلول های بنیادی دلیل آشکاری بر این ادعا است

آموزش و پرورش بعنوان اساسی ترین بخش در راستای توسعه ی همه جانبه کشور و خواستگاه تولید علم می تواند نقش مهمی را ایفا نماید و با بستر سازی مناسب و بسیج امکانات و بهره گیری از پتانسیل بالای نیروی انسانی و استعداد های خوب، آینده کشور را به سمت قله های افتخار هدایت نماید در این راستا موانع و چالش هایی فرا روی آموزش و پرورش برای حرکت به سمت تولید علم وجود دارد که با اصلاح آنها می توان به آینده ای روشن امیدوار بود. این چالش ها عبارتند از: عدم مدیریت صحیح نیروی انسانی، سیستم متمرکز و عدم تغییر در فرایند یاددهی - یادگیری و امر آموزش، عدم شکوفایی روحیه پرسشگری و خلاقیت در دانش آموزان در محیط های آموزشی و گرفتار شدن در چهار چوب های معمول.

امید است با ارایه راهکارهایی سنجدیده در خصوص اصلاح تدریجی سیستم آموزش و پرورش و تغییرات در ساختار این مجموعه به جهت هماهنگی بیشتر با دنیای امروز که هر لحظه ی آن با تغییرات شتابان همراه است کمک موثری به تحقق خواسته رهبر معظم انقلاب در زمینه تولید علم و رساندن ایران اسلامی به جایگاه شایسته خود بنماییم.

آموزش و پرورش در هر جامعه ای زیربنای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه و خواستگاه تولید علم است. بررسی عوامل موثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارا برخوردار بوده اند و پیشرفت خود را مد یون نظام پویای آموزش و پرورش می دانند امروزه اکثر مدیران و مسئولان کشورمان در گفتار بر سر این مساله اتفاق نظر دارند که راه پیشرفت و ترقی کشور از آموزش و پرورش توأنا می گذرد اما در تدارک ساز و کار لازم متناسب با حجم و بزرگی این عمل با نارسایی مواجه اند. دنیای امروز دنیای برتری اندیشه و تفکر بر قدرت و زور بازو و عضله است و آموزش و پرورش بازوی اندیشه و تفکر است و دانایی کلید توانایی است و کلید دانایی در دست معلمان خوش فکر و آگاهی است که در میدان علم و دانش از بهترین و جدیدترین شیوه برای انتقال دانش و مفاهیم بهره می گیرند و با محسوس نمودن دنیای یادگیری لذت وصف ناپذیر آن را به کام دانش آموزان می چشانند و هر روز بیشتر از روز قبل آن ها را تشنه دانایی می کنند و آن ها را در مسیر صحیح یادگرفتن و تولید علم قرار می دهند. فرایند یاددهی و یادگیری در قرن بیست و یکم می طلبد که در همه نقش ها در درون سیستم آموزش و پرورش تغییرات قابل توجهی ایجاد شود و با توجه به تغییرات، رویکرد جدیدی در فرایند یاددهی و یادگیری با محوریت جنبش نرم افزاری اتخاذ گردد.

در عصری که مهمترین ویژگی آن سرعت و شتاب فراوان در تغییرات محیطی است و در دنیایی که نظام های آموزش و پرورش کشورهای جهان بمنظور استفاده بموقع از فرصت های ایجاد شده برای یادگیری بهتر و با دوام و مقابله با تهدید های محیطی با بهره گیری از تکنولوژی روز، که محصول و میراث قرن حاضر است گوی سبقت را از هم می ربایند و خود را در مسیری متفاوت از گذشته می یابند. نیاز هست که ما هم در آن جهت گام برداریم. آموزش و پرورش امری اندیشه های نو و افکار خلاق را می طلبد با پندارهای سنتی که در آموزش و پرورش ما ریشه دوانیده است سر سازگاری ندارد باورهای قدیمی که آموختن را مترادف حفظ کردن می داند و انباشت نمودن ذهن دانش آموزان را با محفوظات خشک و بی فایده را کارکرد آموزش و پرورش می داند محکوم به شکست است نیاز مبرم داریم که فرایند یاددهی و یادگیری را از حالت سنتی خارج نماییم و با بهره گیری از تکنولوژی بسیار پیشرفته امروز و تغییر در رویکرد تعلیم و تربیت خدمات ارزنده ای را به نسل های آینده ارائه دهیم و بجای آموزش اندیشه ها به دانش آموزان خود چگونه اندیشیدن را یاد بدهیم که خود آنها اندیشه هارا می آموزند.

مفهوم آموزش و پرورش : از آموزش و پرورش تعاریف متعددی شده است از نگاه دیویی آموزش و پرورش بمعنای کارعظیم تدارک شرایطی است که رشد راتامین و تضمین کرده و بر خود زندگی ، صرف نظر از سن و سال ارج و احترام نهد . مفهوم آموزش و پرورش در معنای وسیعتر آن بمعنای ساز و کار رسمی برای حفظ و انتقال فرهنگ است . از نظر سقراط آموزش و پرورش دانش هایی است که موجب شکوفاشدن قدرت تفکر در انسان می گردد و بر این باور است که آگاهی ، عمل را بدنبال دارد . ارسطو هدف آموزش و پرورش را فهمیدن و اندیشیدن می داند و افلاطون معتقد است که از راه تربیت درست ، شهروندانی خردمند و منطقی بار می آیند . از نگاه نگارنده آموزش و پرورش به نهاد اجتماعی خاص اطلاق می شود که به کلیت نظام آموزش و پرورش و موسسات آن دلالت دارد و از مقطع پیش دبستانی تا پایان دوره ی پیش دانشگاهی را شامل می شود . بعضی از افراد آموزش های عالی را جدای از آموزش و پرورش نمی دانند اما با عنایت به اینکه موضوع ما بررسی نقش نظام آموزش و پرورش در تولید علم است لذا در تعریف ما آموزش عالی را شامل نمی گردد زیرا آموزش عالی در راستای اهداف و امکاناتی (بودجه های تحقیقاتی و پژوهشگران خبره) که در اختیار دارد در مسیر تولید علم حرکت می کند و تولید علم یکی از اهداف این مجموعه است

مفهوم و معنای تولید علم و جنبش نرم افزاری:

بحث تولید علم و جنبش نرم افزاری ، ریشه در بحث «توسعه علم» دارد. توسعه علم به معنای «development of science» است. اکنون این واژه با تعبیر دیگری با عنوان «تولید علم» یا «production of science» مطرح شده است ، پس در بحث تولید علم¹ «development» تبدیل به² «Production» می شود.

اصطلاح جنبش ، «movement» که در واژه جنبش نرم افزاری به کار رفته ، بیشتر در جامعه شناسی استعمال می شود. جنبش یا حرکت، هم به روش «اصلاحی» ، (نه پایه ای و بنیادی) وجود دارد، که از آن به «movement reform» تعبیر می کنند و هم به سبک «انقلابی» انجام می پذیرد ، که از آن به «revolutionary movement» تعبیر می شود.

در فرهنگ رایانه ای کلمه «نرم افزار» در مقابل «سخت افزار» قرار دارد. نرم افزار همان طرح ها ، برنامه ها و اندیشه هایی است که به رایانه داده شده، و به صورت CD و اینترنت و ... ارائه می گردد. سخت افزار هم شامل سیستم رایانه، مانیتور، دستگاه پخش کن و ... می باشد، لذا روشن است که مفهوم نرم افزار از امور رایانه ای به عرصه علم شناسی و فرهنگ وارد شده و مفهوم و معنای خاص خودش را پیدا کرده است. البته معنای رایانه ای نرم افزار در جای خود محفوظ است ، نرم افزار در عرصه فرهنگ و اندیشه شامل علم و دانش و هنر و اندیشه می شود .

1- توسعه
2- تولید

ضرورت‌های تحقق تولید علم :

ضرورت تولید علم و لزوم حرکتی جدی به سمت تحول فرهنگی در جامعه اسلامی بر همگان روشن است با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اسلام ظهور دوباره ای یافته و راه جدیدی را پیش روی بشر به سمت حیات معنوی و در عین حال تامین معیشت در سایه معنویت گشوده است. اگر ما - نتوانیم این ایده ها و آرمانهای نوینی را که در پیش روی بشر معاصر قرار گرفته است، تبدیل به برنامه های علمی برای زندگی بشر کرده و به بشر معاصر عرضه کنیم و درکنار آن ، راه عملی رسیدن به آن ایده ها را ارائه ندهیم، فرهنگ رقیب دوباره سیطره پیدا می کند، در نتیجه، آن دسته از امکانات دنیایی که در اختیار جهان اسلام است، به نفع فرهنگ غرب مصادره می شود امروزه دوایدئولوژی در سطح جهان مطرح است یکی ایدئولوژی غرب، یعنی ایدئولوژی ای که بعد از رنسانس شکل گرفته و به اصطلاح بر سایر ایدئولوژیهای برآمده از مدرنیته غلبه کرده است که همان لیبرال دموکراسی است و دیگری ایدئولوژی اسلام. امروزه چالش بین این دو ایدئولوژی کاملا مشهود است و طبعا هر ایدئولوژی ای که پیروز شود نیروهای انسانی و امکانات رقیب را به نفع خود مصادره می کند. اگر ایدئولوژی غرب پیروز شود، همه امکانات فراوان اقتصادی و نیروهای انسانی و سرمایه های اجتماعی دنیای اسلام را از نو به نفع فرهنگ خود مصادره می کند، یعنی مسلمانان دوباره در مدار تعریف آنها زندگی خواهند کرد و مجددا قید و بند آنها بر قلب و زبان و دست و پای مسلمانها بسته خواهد شد. اما اگر ما نتوانیم سازوکار عملی برای تحقق اهداف اسلام در جهان ارائه دهیم و ساز و کارهای کارآمد و ناظر به واقعیت و در عین حال برآمده از آرمانهای اسلام فرا روی بشر و جهان معاصر با همه پیچیدگی هایش ارایه دهیم بانوعی شکست ایدئولوژی مواجه خواهیم شد اما در صورت موفقیت در تولید و تسخیر قله های رفیع علمی می توانیم همه ی دارایی های دنیای غرب را به نفع تمدن اسلامی مصادره کنیم وباردیگر ایدئولوژی اسلام در سایه ی رشد و تولید علم در سطح جهان مانند یاقوت درخشان به جهان و جهانیان ارایه دهیم و بشریت از مواهب آن بهره مند گردد لذا به جهت جلوگیری از سیطره فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی غرب از یک سو و ارایه الگوی حکومتی کارا در سطح جهان مبتنی بر دین اسلام ، ضرورت دارد در جهت تولید علم اقدامات اساسی در همه ی زمینه ها صورت گیرد تا چهره واقعی اسلام به جهانیان نشان داده شود.

پیشینه تولید علم و جنبش نرم افزاری :

الف - پیشینه تاریخی: در این رویکرد پرسش اصلی و اساسی این است که ، تولید علم از چه زمانی آغاز شده و تا کدامین مرحله پیش رفته است ؟
در فرهنگ و تمدن غرب، دانش و علم ، به مفهوم امروزی را تالس ملطی در یونان آغاز کرده و این حرکت به تناوب تا قرون وسطی ادامه داشته و سپس در آغاز عصر روشنفکری «رنه دکارت» ظهور

پیدا کرده است و پس از آن دوران جدید فرا می رسد. در حال حاضر نیز جهان غرب دوران «پست مدرن»⁴ را تجربه می کند.

در جهان اسلام، فرهنگ و تمدن اسلامی از بعثت پیامبر گرامی اسلام شروع شده و همین طور تا بعد از ایشان ادامه داشته و سپس در عصر خلافت امویان و عباسیان به شکل گسترده تری ادامه می یابد. از قرن سوم و چهارم به بعد با ظهور اسحاق کندی و متفکرانی چون: زکریای رازی، فارابی و سپس ابن سینا، وارد مرحله نوین و جدیدی می شود و همین روال تا ابن خلدون ادامه پیدا می کند و در عهد صفوی بزرگانی مانند: ملاصدرا، میرفندرسکی، این رویه را ادامه می دهند تا نوبت به افشاریه و قاجاریه و در نهایت نوبت به دوران انقلاب اسلامی می رسد. بعد از انقلاب نیز چهار مرحله را تجربه کرده ایم:

۱- جنگ تحمیلی و دفاع مقدس.

۲- بازسازی اقتصادی.

۳- بازسازی سیاسی.

۴- دوره جنبش نرم افزاری و تولید علم.

جنبش نرم افزاری و تولید علم در جهان اسلام از دوران بعثت پیامبر گرامی اسلام آغاز و تا عهد انقلاب اسلامی ادامه می یابد. بنابراین، از بعد تاریخی، دوره جنبش ه آنها نرم افزاری و تولید علم، دوره نوین و مرحله جدیدی است.

ب- پیشینه علمی تولید علم:

این بحث گاهی در فضای فلسفه علم *philosophy of science* مطرح می شود. در فلسفه علم، مباحث و مسائل کلی مورد بررسی قرار می گیرد، لذا تولید علم، جزئی از توسعه علم است. در حال حاضر این مفهوم علمی که در عرف و فرهنگ امروز جهان غرب، فرهنگ و تمدن جوامع سکولار و حتی تا حدودی در جوامع غیر غربی اسلامی رایج است.

بحث تولید علم و جنبش نرم افزاری، یک فلسفه جدید، و یا به تعبیری یک فلسفه «مواج» است، و بر خلاف فلسفه «راکد» که گستره آن محدود به علم است، این نوع فلسفه علاوه بر گستره علمی، هنر و ادبیات و سیاست و... را نیز در بر می گیرد و زاویه دید ما را نسبت به جهان دگرگون می کند.

روند تولید علم در جهان و ایران:

در جهان کنونی سرعت و میزان تولید اطلاعات به حدی است که گفته می شود روزانه ۷۶ هزار مقاله علمی فقط در آمریکا چاپ می شود. بر اساس گزارش اتحادیه جهانی یونسکو ۹۰ درصد دانش بشری طی ۳۰ سال اخیر تولید شده است. و هم اکنون در هر ۷ سال تولید علم دو برابر می شود.

علاوه بر این می توان شبکه جهانی اینترنت، وجود کتابخانه های عظیم الکترونیکی، دیدگاه حمایتی مردم و مناسب بودن فرهنگ عمومی نسبت به توسعه علمی کشور را فرصتهای مغتنم برای

برنامه استراتژیک ذکر کرد. اینترنت به عنوان مهمترین و بزرگترین مولود جنبش تولید داده ها، نقش چشمگیری در روند تولید علم داشته است. بر اساس تحقیقی که در سال ۲۰۰۳ انجام گرفته است هر روز ۷/۳ میلیون صفحه وب به شبکه جهانی اینترنت افزوده می شود. و به یقین این رقم در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون صفحه است. کتابخانه های دیجیتالی و ژورنالهای الکترونیکی هم اکنون بیش از صدها میلیون مقاله تمام متن و تمام تصویر را به سرعت در اختیار متقاضی قرار می دهد. بانکهای اطلاعاتی به منزله قلب کتابخانه های دیجیتالی، تمام نیازهای اطلاعاتی و تحقیقاتی را در اختیار متقاضیان قرار می دهد. بزرگترین بانک اطلاعاتی (Web of Science) امکان دسترسی به منابع و مراجع یک مقاله را در یک زنجیره نامتناهی فراهم نموده و همه مقالات مرتبط به موضوع را با تاریخچه تحقیق در اختیار محقق قرار می دهد. بانکهای اطلاعاتی پرمصرفی وجود دارند که چکیده همه پایان نامه های دنیا شامل خلاصه تزه های دکتری و پایان نامه های فوق لیسانس در آن قابل دسترسی است. بانکهای اطلاعاتی فوق تخصصی هم وجود دارند که در زمینه های روانشناسی و روانپزشکی و علوم اقتصادی و علوم تربیتی و مهندسی عمران، معماری، معدن، و دیگر رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی و پزشکی میلیونها مقاله و کتاب را در اختیار متقاضیان قرار می دهد. اخیرا آقای محمد مهدی زاهدی در پایان نشست مشترک با وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جمع خبرنگاران اعلام کرده بود که ایران از نظر میزان رشد تولید علم، رتبه نخست رادربین کشورهای جهان اسلام دارد و همچنین عنوان نموده بود که در پنج سال گذشته میزان تولید دانش در ایران چهاربرابر شده و از رشد ۴۰۰ درصدی برخوردار بوده است.

نقش آموزشی و پرورش در تولید علم: امروزه اهمیت علم و دانش و نقش آن در زندگی انسان برهیچکس پوشیده نیست و تولید علم و انتقال دانش به نسل جدید یکی از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت هر کشوری است چراکه هر کشوری که از علم بیشتری برخوردار باشد از نتایج و ثمرات آن بیشتر بهره مند می گردد. در گذشته طراحان نظام آموزش و پرورش، کارکرد آموزش و پرورش را صرفا انتقال دانش می دانستند اما در رویکرد جدید آموزش و پرورش، تنها انتقال دانش کافی نیست بلکه آموزش و پرورش با ظرفیت و پتانسیل بالای نیروی انسانی که در اختیار دارد می تواند در زمینه تولید دانش نیز عمل نماید. حدود ۱۷ میلیون دانش آموز و بیشتر از یک میلیون فرهنگی، فرصت بسیار مغتنمی است که در صورت برنامه ریزی صحیح مدیران ارشد نظام آموزش و پرورش، می توان از توان آنها به نحو احسن استفاده نمود. طبیعی است سیستمی که متولی انتقال دانش را برعهده دارد و در دنیای پیچیده امروز که شاهد تغییر و دگرگونی در تمامی زمینه ها از جمله دانش بصورت ثانیه ای هستیم سیستم آموزش و پرورش نمی تواند در این خصوص منفعل بماند بلکه باید سازوکارهای تدارک دیده شود که ضمن انتقال دانش موجود، آنرا نیز تجزیه و تحلیل نماید و به کمیت و کیفیت علم مورد استفاده بیفزاید. گرچه تولید علم نیازمند امکانات و اعتبارات خاص تحقیقاتی و پژوهشی است که

آموزش و پرورش بدلیل کمبود اعتبارات دربخش های دیگر ، قادر به تامین اعتبار کافی برای کارهای تحقیقاتی نیست و متأسفانه نگاه مسئولان ارشد درخصوص تحقیقات همواره روبه سمت مراکز آموزش عالی است درحالیکه نیاز مبرم به تحقیقات در آموزش و پرورش بیشتر از بعضی ازبخش های دیگرکشوراست اخیراً آموزش و پرورش حرکت بسیار اثربخشی رادر زمینه تاسیس و فعال سازی کمیته های پژوهشی درسطحاستان ها و شهرستان ها انجام داده بود که دیری نپایید بدلیل کمبود اعتبارات درهای آن برای همیشه بسته شد . اما چند سالی است حرکت امیدبخشی تحت عنوان معلم پژوهنده در دستور کار آموزش و پرورش قرار گرفته است که درصورت هدایت صحیح آن می تواند اهرم بسیارخوبی برای جهت دادن به توان و ظرفیت فرهنگیان درزمینه تولید علم باشد . امیداست دراین مقاله بتوانیم به موانع وچالش هایی که برسرراه تولید علم وجنبش نرم افزاری در آموزش و پرورش است پردازیم .

موانع وچالش های تولید علم در آموزش و پرورش

۱ - نیروی انسانی: امروزه علیرغم پیشرفت های شگرفی که در همه ابعاد جامعه ایجاد گردیده است نیروی انسانی هنوز بعنوان موثرترین شاخص در سازمان های آموزشی مورد نظر است چراکه لازمه هرگونه پیشرفت، وجود نیروهای ماهر وتوانا برای انجام امور موردنیاز است با این توضیح نباید فراموش کنیم که در دودهه اخیر به دلیل رشد فزاینده جمعیت دانش آموزی نیاز فراوان به معلم در آموزش و پرورش کشورما احساس گردید برهمن اساس به تامین نیروی انسانی لازم از حیث کمی اولویت داده شد و کیفیت⁵ کاملاتحت الشعاع قرار گرفته شد وملاک هایی که باید برای گزینش نیروی بانگیزه وعلاقمند از نظر کیفی در نظر گرفته شود رعایت نگردید و به قولی دروازه آموزش و پرورش بر روی جمعیت زیادی که در جستجوی شغلی برای تامین معاش بودند باز گردید وامروز آموزش و پرورش ما میراث چنین نیروی انسانی است که درمقابل تغییرات مقاومت ازخودنشان می دهند وبشدت از شیوه های سنتی دفاع می کنند. به نظر اینجانب مهلک ترین بیماری آموزش و پرورش غیرواجدالشراط بودن معلمین آن می باشد. افرادی که از حل کوچکتترین مسالهء مربوط به زندگی عاجزند چطور می توانند تعداد انبوهی از دانش آموزان را که سرمایه های ارزشمند جامعه اند به راه درست برای حل مشکلات راهنمایی کنند ؟ این نوع معلمان تازه اگر صالح باشند ، از طرفی بر اثر خستگی وعدم استراحت و سرپا ایستادن خارج از حد، وبا دانش آموزان بازیگوش سر و کله ی غیر اصولی زدن، هیچگونه آمادگی برای آموزش و پاسخ علمی ودرست دادن به سؤالات را ندارند ، واز یک طرف چون فرصت برای مطالعه ندارند ویااینکه اصلاً اهل مطالعه نیستند، چیزی اصولی وعلمی برای ارابه به دانش آموزان ندارند، و آشکاراست که ، این چنین معلمی در کلاسها چگونه با کوچکتترین بی ادبی و حرکات طبیعی و اظهار وجود آنها و سؤالاتشان ، برخورد مینماید؟! دراین

⁵. Quality

کلاسها جز زود خورد و رد و بدل شدن حرفهای نادرست چیزی صورت نمی پذیرد . معلم خسته و عصبی و ناراضی ، نه تنها بچه ها را دوست ندارد بلکه به انواع تنبیهات بدنی و روحی مبادرت می ورزد، و نه تنها چوپانی مهربان نخواهد بود بلکه گرگی خطرناک برای پاره کردن ویا شکستن هر نوع ارتباط نیرو دهنده، حیات بخش خواهد شد . تعداد دانش آموزان بیش از دو برابر حد استاندارد در هر کلاس ، بی برنامه بودن معلمان غیر واجد شرایط باعث صحت و بازی کردن آنها بر اثر مقتضای طبیعتشان شده و آنگاه است که معلم آنچنانی به بذل و بخشش حرفهای بد و ناسزاها حتی کتک زدن می پردازد، و موجبات فرار دانش آموزان از کلاس و زدگی از درس و کتاب و علم را فراهم می کند . و از همینجا میدان بجای حرکت به سمت تولید علم برای بزه کاریهای اجتماعی فراهم می گردد

معلمین باید از میان برترینها از هر لحاظ انتخاب شوند، و چون سازندگان انسانهای فردای اجتماع هستند باید در مقایسه با دیگران از موقعیت اجتماعی بالاتری در جامعه بر خوردار باشند، تا با فرصت کافی و آرامش فکری به مطالعه و پژوهش پرداخته و باغنی تر کردن معلومات خود به دانش روز مجهز شده و کاروان علم و دانش را سرعت ببخشند. در آنصورت چرخهء تاثیرات متقابل حرکت بسوی تکامل و تعالی جامعه را آغاز میکند .

لذا ضرورت دارد در خصوص نیروی انسانی به مولفه هایی مانند رضایت شغلی⁶ که میزان دل بستگی به شغل را مشخص می کند توجه نماییم تا با بهبود شرایط و ایجاد مشوق های بیرونی و درونی آن ها رابه کار خود راضی نماییم و موجبات رشد حرفه ای و پیشرفت کیفی آنها را فراهم سازیم چرا که رضایت شغلی بطور غیر مستقیم در ایجاد انگیزه برای رشد خود و دیگران و بهبود امر تدریس و حرکت به سمت تولید علم موثر است . امروزه میزان توسعه یافتگی بر اساس شاخص استفاده از فناوری آموزشی سنجیده می شود نه منابع زیرزمینی و اقتصادی و نظامی اگر سیستم آموزش و پرورش زمینه استفاده از فناوری آموزشی را طوری فراهم نماید که همه معلمین با انگیزه و آموزش کافی بتوانند به نحو صحیح از فناوری آموزشی بهره گیرند قادر خواهند بود محصولاتی خلاق ، پویا ، متفکر و توانا را تحویل جامعه بدهند و به این صورت کل اجتماع از آن بهره خواهد برد. چرا که کیفیت محصولات آموزش و پرورش به میزان استفاده از فناوری آموزشی در سیستم آموزشی بستگی دارد.

انتظار می رود معلم فردی رشد یافته باشد و توانائی هایی که لازمه حرفه معلمی است از پیش کسب کرده باشد و خود را برای مسئولیت بسیار سنگین معلمی آماده کرده باشد . معلمی حرفه ای است که نیازمند انرژی و توان زیاد است معلم باید توان عقلی ، ذهنی ، روانی ، عاطفی و اجتماعی ردا داشته باشد تا بتواند ماهرانه در فرایند یاددهی یادگیری نقش موثر خود را ایفا نماید. وجدان حرفه ای و مسولیت انسانی معلم ایجاب می کند که مدام در حال مطالعه و یادگیری و اصلاح نگرش خود باشد انفجار

6. Jop Satisfaction

اطلاعات در اوایل سده بیست و یکم مسولین ودست اندرکاران آموزش وپرورش راوادر می کند که پیوسته به افزایش دانش ومعلومات مجموعه تحت سرپرستی خود بیاندیشند وگرنه درخواهند زد ونه تنها به جنبش نرم افزاری کمکی نمی کنند خود ومیلیون ها فراگیر رادچار مرگ علمی خواهند نمود. نفوذ تکنولوژی جدید به مراکز آموزشی وبه درون کلاس های درس وحتى منازل رابطه بین معلم وشاگرد را ازپایه متحول ساخته است واین سیر رشد درجهتی حرکت می کند که دیگر اکتفاکردن به وسایل وابزارهای سنتی در جریان تدریس وآموزش کارساز نیست . امروزه معلمین اگر بخواهند می توانند ایده های آموزشی راهبردها ومسائل خودرا بیست وچهارساعته در شبکه اینترنت بادیگران به اشتراک بگذارند وبلادرنگ جواب خود رابگیرند ودر زمینه رشد حرفه ای خود اقدام نمایند. امروزه دیگر تنها به شعار دانایی توانایی است اکتفا نمی شود بلکه به اشتراک گذاشتن دانایی را معیار توانایی می دانند .لذا ضرورت دارد با ایجادفضایی مناسب نگرش فرهنگیان نسبت به استقبال ازتغییرات وحرکت درمسیر تولید علم گام بردارند وبعنوان هدایتگران نسل جدید همواره یک گام از فراگیران جلوترباشند وهم خود وهم فراگیران را درمسیر تولید دانش جدید قراردهند وهیچگاه به وضع موجود درزمینه علمی قناعت نکنند وبه خود وفراگیران بقبولانند که می توانند به درجات برتر وبالاتری درزمینه علمی برسند چراکه جوان ایرانی با بهره گیری از ذخیره ی معنوی وبا الهام از مکتب نجات بخش اسلامی می تواند قله های رفیع علم ودانش رایکی پس ازدیگری فتح نماید وبه جهان وجهانیان بفهماند که استعدادوایمان واراده جوان ایرانی مثال زدنی است .

۲- روش های تدریس وفرایند یاددهی -یادگیری : شیوه های تدریس یکی از مولفه هایی است که ارتباط مستقیم با نیروی انسانی وتوانایی اودر فرایند یاددهی -یادگیری دارد همانطور یکه ذکرگردید نیروی انسانی موجود درآموزش وپرورش عمدتا نیروهایی هستند که بیشتر علاقمند اعمال شیوه های سنتی در تدریس وآموزش هستند وحاضر به تغییر نگرش ورویکرد نیستند ودر برابر تغییرات ازخود مقاومت نشان می دهند ودریک کلام معلم محور هستند . هنوز بسیاری از معلمین هستند که وظیفه خود را انباشتن حجم زیاد دانش در ذهن دانش آموز می دانند وخود رامخزن دانش تصور می کنند وتدریس را همان شیوه حرف زدن وسخنرانی می دانند به عبارتی رویکرد پاسخ محور را دنبال می کنند .باین رویه استقلال علمی وفرهنگی جامعه راباتاخیر ورکود مواجه می سازند. وبا استفاده از شیوه های تدریس منفعل دانش آموزان را در مواجهه با مسایل ورویدادهای گوناگون منفعل وصامت بار می آورند و دانش آموزان از روحیه جستجوگری , قدرت تعقل ودرك منطقی مناسب برخوردارنخواهند شد.امروز دیگر وظیفه معلم این نیست که اطلاعات درست ومفاهیم مناسب رابرای دانش آموز فراهم کند برعکس نقش معلم کمک به دانش آموزان درتجزیه وتحلیل وبازسازی برداشت های خودآنان است اگر معلم قرن بیست ویکم روش تدریس خودرا براساس ارائه مجموعه ای از دانش واطلاعات , قواعد واصول که همان شیوه سنتی بوده استوارکند ودانش آموزان را از طریق فعالیت , مشاهده ,

تجربه به اکتشاف و یادگیری ترغیب نکند باید بداند که خیلی وقت است تاریخ مصرف این روش به اتمام رسیده است و در فضای کلاس های امروزی دانش آموزی را طالب آن نخواهد یافت و اگر تغییری در شیوه تدریس خود ندهد و خود را با تغییرات لحظه ای تکنولوژی همگام و همسو نکند گرفتار رکود و در نهایت بی ثمری خواهد شد.

امروزه در کشورهای مترقی در زمینه آموزش و پرورش شیوه های نوین و فعال تدریس نهادینه شده و رویکرد دانش آموز محور جای معلم محور و محتوی محور را گرفته است و معلم در نقش هدایتگر و تسهیل گر صحنه یادگیری ظاهر می گردد در این وضعیت، یادگیری رافریندی می دانند که با فعالیت دانش آموز و هدایت معلم انجام می گیرد و دانش آموز خود مستقیماً تجربه می کند و زمینه ای برای فراگیر ایجاد می کند که بسوی تفکر و روش آموزشی و خود یادگیری و خودراهبری حرکت کند و نتیجه آن تغییر محسوس و روبه رشد در زندگی اجتماعی و اقتصادی خواهد بود امروزه معلمین باید شیوه ماهیگیری را بجای دادن ماهی به دانش آموزان بیاموزند در شیوه های نوین تدریس برخلاف روش های سنتی تنها به گوش دادن توجه نمی شود بلکه چشم، زبان، دست و گفتار فراگیر در فرایند یادگیری دخیل است و زمینه ای فراهم می شود که از وسایل کمک آموزشی در جای خود حداکثر استفاده در یادگیری بعمل آید. امروزه نقش معلمین در تدریس باید نقش هدایت گری و تسهیل گر⁷ امر یادگیری باشد نه حاکم همه چیزدان. معلمین لازم است زمینه هایی را برای دانش آموزان فراهم نمایند تا بدان وسیله استعدادها و مهارت های ناشکفته خود را شکوفا سازند مثلاً هنگامی که معلمی می خواهد عمل جمع را به کودکان آموزش دهد اگر تنها سعی کند بانوشتن اعداد روی تخته سیاه آموزش خود را دنبال کند مسلماً با مشکل روبرو خواهد شد اما اگر از وسایل، امکانات و راه حل های ملموس و متنوع استفاده کند و بعبارتی وسایل کمک آموزشی را به کمک گیرد دانش آموزان مفهوم جمع را بهتر درک می کنند و قادر خواهند بود آن را به کلیه پدیده ها و موضوعات اطراف شان تعمیم دهند و از آن لذت ببرند. بسیاری از وسایل کمک آموزشی را احتمالاً نباید خرید یا از لای زوررق های تجملی بیرون آورد و دل بچه ها را آب کرد بلکه بسیاری از این وسایل را می توان با نگاه های جستجوگر پیدانمود و یا با کمی صرف وقت از آن وسیله ای کارساز ساخت. لذا لازم است معلمین از طریق آموزش ضمن خدمت موثر، شیوه های سنتی آموزش را آگاهانه و بتدریج کنار زده و بجای آن از شیوه های نوین و فعال تدریس که متضمن دخالت و درگیر نمودن فراگیر و استفاده از وسایل کمک آموزشی و انواع فناوری است استفاده نمایند تا به این وسیله بریکی از موانع بهره گیری از تکنولوژی آموزشی در فرایند یاددهی یادگیری فایق آیند.

۳- عدم شکوفا یی روحیه پرسشگری :

پیامبر اعظم فرمودند: علم مانند گنجینه است و کلید آن گنجینه سؤال است پس پرسید تارحمت خداوند شامل

حال شما شود.

7. Facilitater

فضای آموزشی درمدارس به گونه ای است که به پرسشهای دانش آموزان ، پاسخ قانع کننده داده نمی شود. درواقع پرسشگری در نظام آموزشی ما به عنوان مزاحمت، فضولی و طرح مسائل خارج از بحث تلقی می شود. پائولو فریر فیلسوف تربیتی برزیلی معتقد است که بدترین نوع تعلیم و تربیت ، تعلیم و تربیتی است که دانش آموزان را از لذت پرسیدن و سؤال کردن محروم کند . سؤال کردن جوهر وجودی انسان است | برخی از مهمترین سؤالات در ذهن کودکان ونوجوانان شکل می گیرد و این برخاسته از روح پرسشگری ومیل انسان به کشف «چرایی» است هرانسانی در برخورد با موقعیت های محیطی، نیاز به سؤال پیدا می کند و این می تواند شامل محیط های آموزشی، ارزشها، اعتقادات و... باشد و اگر جوابهای قانع کننده ومعقولی به این سؤالاها داده شود، نوجوان ارضاشده و از حالت تنش خارج می شود، اما اگر به این سؤالات پاسخ داده نشود، سؤال از بین نمی رود بلکه ممکن است به تعبیر روانشناسی، سرکوب شود. اما سؤال در ذهن فرد باقی خواهد ماند ومسأله به شکل های دیگری بروز خواهد کرد. بطوری که می توان گفت مثلا تخریب استادیومهای ورزشی یا وسائل حمل و نقل عمومی ، باجه های تلفن و... واکنش بیرونی به سؤالات پاسخ داده نشده است . از این مسأله در روانشناسی به عنوان «جابجایی» نام برده می شود، یعنی وقتی یک فرد از مسأله ای ناراحت است ، ممکن است در جایی واکنش نشان دهد که اصلا شکل اولیه مسأله را ندارد. بنابراین معقول ومنطقی است که بپذیریم در ذهن نوجوانان و جوانها سؤال هست و راه عاقلانه این است که به آنها پاسخ معقول و منطقی بدهیم.

متأسفانه سیستم آموزشی ما پرسشگری را تشویق نمی کند ومعلمان ما چارچوب های از پیش تعیین شده ای دارند که تنها در همان چارچوب با دانش آموز تعامل می کنند و شاید پرسشگری دانش آموز به عنوان مزاحمت، فضولی یا طرح مسائل خارج از درس تلقی می شود. معلمان به این دلیل این گونه عمل می کنند که در یک «سیستم متمرکز آموزشی»، تمام امور از پیش تعیین شده ومدون است . یعنی مثلا معلم وظیفه دارد تا آبان ماه ۱۲۸صفحه از کتاب را تدریس کند ومسلم است که معلم در چنین وضعیتی ، فرصت وامکان خروج ازاین چارچوب را ندارد. چه بسا اگر معلمی بخواهد به مسائلی علاوه بردرس پردازد، دچار مشکل شود. بنابراین شاگرد ملزم است دراین چارچوب قرار بگیرد وخارج از آن اگر سؤالی کند، پاسخ نخواهد گرفت و اگر جوابی هم بگیرد، ممکن است از نوع سرکوب مثل «وقت کلاس را نگیر» باشد. بنابراین روحیه پرسشگری در نظام آموزشی ما تقویت نمی شود ودانش آموزان پرسشگر امکان طرح سؤال-ندارند.

ژان پیاژه روانشناس بزرگ معاصر بلند ترین وعمیق ترین تعریف را از فرایند یادگیری در آموزش وپرورش فعال اینچنین ارایه داده است :

هر گاه چیزی به کودک یاد دهیم مانع شده ایم تا خود آن را شخصا کشف یا اختراع کند

۴- خلاقیت گم‌شده ی محیط های آموزشی :

خلاقیت یکی از ویژگی های فطری آدمی است که اگر شرایط وامکانات لازم برای شکوفایی آن فراهم گردد به تولید علم و دانش جدید منجر می گردد چرا که آدمی دارای توانایی بسیار بالایی است که تنها درصد کمی از آن شکوفا می گردد که در صورت فراهم نمودن شرایط و سازوکار لازم می توان حداکثر بهره از توانایی ها را برد ولی متأسفانه چنین شرایطی در محیط های آموزشی مافراهم نیست و بر همین اساس یکی از موانع تولید علم در محیط های آموزشی عدم توجه به رشد و شکوفایی خلاقیت در فراگیران است در محیط های آموزشی برنمره دانش آموز بیش از هرچیز دیگر تاکید می‌گردد و دانش آموز ناچار است در راستای گرفتن نمره عالی تلاش کند تا اینکه به ابداع و ابتکار پردازد . از طرف دیگر کتاب درسی بعنوان مهم ترین و تنها منبع تدریس و آموزش مورد استفاده قرار می گیرد و در میان اهداف و محتوی آن چیزی بعنوان پرورش خلاقیت منظور نشده است لذا دانش آموز آزادی عمل و توانایی لازم را نخواهد داشت که پا را از چهارچوب کتاب درسی خود فراتر گذارد و در نتیجه محدودیت را به ذهن و توانایی خود تحمیل می نماید. معلمین ما بنا به اعتقادات و آموزش های سنتی از خلاقیت و پذیرش ایده های جدید استقبال نمی کنند لذا برای دانش آموزی که میل به خلاقیت و خلق ایده های نو و غیرمعمول دارد بسیار مایوس کننده خواهد بود که افکارش بخاطر غیرمعمول بودن مورد بی توجهی معلم یا اطرافیان قرارگیرد چنین دانش آموزانی بتدریج تحت تاثیر نظر جمع قرار می گیرند و بدلیل عدم استقبال مجموعه به خودسانسوری روی می آورند چراکه برخورد دیگران با او حکم تویخ و تنبیه را دارد و بتدریج می آموزد که ایده های خود را از ترس استهزای سایرین به زبان نیاورد و آن را در درون خود سرکوب کند .

۵- سیستم متمرکز در آموزش و پرورش :

در جامعه ایران که سرزمینی پهناور مملو از اقوام مختلف با فرهنگ و زبانهای گوناگون و ویژگیهای خاص اقلیمی می باشد، متمرکز بودن برنامه ریزیها و تصمیم گیریهای آموزشی مرض کمر شکنی از قدیم الایام برای آموزش و پرورش بوده است . یکدست گرفتن و در یک قالب ریختن تمامی افراد جامعه ایران و همه را به یک چوب زدن راه رسیدن به قله های رفیع پیشرفتهای علمی نمی باشد . بعنوان مثال تالیف کتاب درسی ابتدایی برای کودکان سراسر ایران که مستلزم روش تدریسی یکتا نیز در تمام مملکت باشد ، بیماری جانکاهی است. یک بچه روستایی مرزنشین باید شکل اشیایی را در کتاب نظاره کند که یک بچه شهری آن هم شهری مثل تهران ، با آن سرو کار دارد . جهان عینی این دو بچه آنچنان اشتراک گسترده ای ندارند که در روش فعال تدریس مبتنی بر مشاهدات آنها هماهنگ عمل نمود.

راهکارهای مقابله با چالش های تولید علم در آموزش و پرورش

۱- اصلاح و بازنگری در نظام آموزش و پرورش

ملتی که در ۲۵۰۰ سال پیش یکی از متمدن ترین و مترقی ترین کشورهای زمان خود بوده اکنون هم می تواند یکی از توسعه یافته ترین و قدرتمندترین کشورهای جهان باشد و این کار تنها از طریق اصلاح و بازنگری در آموزش و پرورش میسر است. امروزه، تقریباً تمام کسانی که به هر نحو طرفدار توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می کنند، چه، توجه به اصل تعلیم و تربیت و تلاش در راه آن می تواند امر توسعه را پیش ببرد و با مسیر جهان هماهنگ کند. راه برد اساسی، مبتنی بر تحول و بازنگری در حیطه نگرش ها در حوزه فکری کلان جامعه است. بر این پایه، مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت باز تعریف می شوند. ضرورت باز نگری در حوزه های فکری جامعه بر اساس آینده ای پویا، تغییرپذیر، و غیر شخصی مدنظر قرار می گیرد. در این مسیر، نظام آموزش و پرورش کلان نگرش به دانش آموز، معلم، محتوا و مدرسه را متأثر از تحولات زمان تغییر می دهد. دانش آموز و معلم را در فرآیند امروزی آموزش و پرورش از دیدگاهی پرسشگر، مستقل، خلاق و کثرت گرا می نگرد و می خواهد با کنار نهادن ارتباط یکسویه سنتی و فرسوده، به جریان یادگیری-یاددهی حرکت و خلاقیت بخشد. از این دیدگاه، مفاهیم با الهام از فلسفه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معاصر و متناسب با نیاز جامعه واقع بینانه و غیر متعصبانه، باز تعریف می شود.

فرد محوری، و پرورش اسطوره ای در آموزش و پرورش امروزه جایگاهی ندارد. کار آموزش و پرورش آموزش زندگی است. از این رو برای طراحی نظام آموزش متناسب با نیاز فردا یا حتی امروز به چیزی پیچیده تر از یک نظام کلیشه ای و فرد مدارانه احتیاج داریم. در این مسیر اصل دموکراسی و مشارکت همراه با نهادی کردن اندیشه به مثابه وظیفه یک نظام مترقی و جدید تعلیم و تربیت مورد توجه قرار می گیرد. در این راهبرد، روش های آموزش و پرورش و ارزشیابی مورد تجدید نظر اساسی قرار می گیرد راه کارهای پرورشی و ارزشیابی از وضعیت تک بعدی، گمی، ناکارآمد و نامنصف به روش هایی کارآمد، کیفی و منعطف تغییر می یابد.

بدون تغییر نگرش و اصلاح ساختارهای آموزشی و پژوهشی جنبش نرم افزاری شکل واقعی نمی گیرد. با برگزاری همایش و ارائه مقالات انتزاعی درباره تولید علم هیچ پیشرفتی در کشور انجام نمی شود. به اعتقاد بنده قبل از هرچیز نظام ارزیابی آموزشی و پرورشی و نظام آموزشی کشور باید اصلاح شود. باید در امتیاز دادن به مقالات نیازهای کشور مدنظر قرار گیرد و باید به محققین فرصت داد که فارغ از نگرانی به تولید فناوری پردازند و باید رشته های آموزشی و تسهیلاتی برای به تولید انبوه رساندن فناوری در کشور در نظر گرفته شود. از این مهمتر، رشته های مدیریتی باید در کشور گسترش پیدا کند تا ساختارهای آموزشی و پژوهشی کشور نهضت تولید علم را تحمل کنند در تولید علم هم به جهت آن توجه شود یعنی علمی که در جهت ایدئولوژی ماباشد امام بیشترین تأکید را بر

مسئله آموزش و پرورش توامان داشته اند. امام آموزش صرف را امری بی فایده و در بیشتر اوقات زیانبار می دانند. از نظر امام ملاک سودمندی دانش حتی علوم مذهبی و حتی علم فقه را پرورش می دانستند. رهبری هم همواره نهادهای آموزشی را موظف به تعلیم پرورش و اخلاق فرموده اند. در برنامه چهارم توسعه به مسئله فرهنگ و پرورش خصوصاً در حوزه آموزش عالی بسیار کم اعتنایی شده است. حتی در سالهای اخیر واژه فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام یافته و در حوزه ی آموزش عالی درمقایسه با آموزش و پرورش کمتر به پرورش وابعادمعنوی تولید علم توجه می شود

یکی از پیش نیازهای نهضت تولید علم نیروی انسانی کارآمد است. باید برای کارهای پژوهشی و آموزشی از افراد مستعد و توانا استفاده شود. باید بتوانیم چنین کسانی را گزینش و جذب کنیم. طبیعی است که افراد از نظر انگیزه، استعداد و توانایی با همدیگر تفاوت دارند. هر کسی را برای پژوهش و تولید علمی نساخته اند، لذا دقت و وسواس در به کارگیری افراد برای این امر مهم، بسیار سرنوشت ساز است. اگر ما کسانی را در عرصه نظریه پردازی و تولید علم به خدمت بگیریم که توانایی و استعداد ذاتی آن را ندارند، هر قدر هم که به آنان فشار بیاوریم یا از آنها حمایت کنیم، نخواهند توانست هدفهای ما را تحقق ببخشند.

به نظر می رسد تأمین پژوهشگران و اهالی علم و پژوهش از شرطهای مهم این مساله است. واقعیت این است که قوام تحقیق به محقق است و محقق برای کار علمی، فضای مناسب می خواهد. فضایی که حقوق مادی و معنوی اش را تأمین کند. نباید محقق ما مجبور شود برای تأمین معاش خود به کارهای غیرپژوهشی و پراکنده دست بزند. البته انتظارات محققان معقولانه است. با اطمینان می توان گفت که اهل قلم و علم این مرز و بوم در هر صنف و رشته و شاخه ای که باشند، قانع و مقتصدند. فزون خواه و زیاده طلب نیستند باید مدام بر توانایی ها و ظرفیتهای محققین بیفزاییم. سامان دادن دوره های بلند مدت در رشته علمی آنها بسیار کارساز است. باید فرصتها و مسافرتهای مطالعاتی برای آنها ترتیب داد. این کار علاوه بر اینکه بر اندوخته های علمی و نگرش آنها اثر می گذارد، می تواند یاری شان کند که موقعیت علمی خود را با دیگران بسنجند. محقق ما نباید از کمبود کتاب و کتابخانه و ابزارهای کامپیوتری و اینترنتی و فضای لازم برای مطالعه و تحقیق رنج ببردمعلمانی که سازندگان انسانهای فردای اجتماع هستند، بایستی از موقعیت اجتماعی و رفاه نسبی برخوردارباشند ، تا با فرصت کافی و با آرامش خاطر به مطالعه و پژوهش پرداخته و باغنی تر کردن اندوخته های خود به دانش روز مجهز و هر چه بهتر و اصولی تر به روشهای مناسب تدریس دست یافته و کاروان علم و دانش مملکت را سرعت بخشند . با جذب دانش آموزان برتر برای معلم شدن و تربیت اصولی آنها معلمینی خواهیم داشت که اولاً با سواد هستند ، ثانیاً نیازها و اولویتهای آنها را در همهء کارهای آموزشی به خوبی تشخیص می دهند، و چون آزمایای رفاهی برخوردارند ، با دلسوزی و علاقه و تعهد به انجام وظیفه

پرداخته و موجبات ترقی همه جانبه جامعه را فراهم می آورند . معلمی که شرایط فوق الذکر را نداشته باشد ، یعنی بی استعداد و کم معلومات و عاری از هرگونه تخصص لازم تدریس و خلاقیت، و بدور از شناخت عمومی و بویژه نا آشنا به روانشناسیهای فردی و اجتماعی و تعلیم و تربیت، برای جبران کمبودهای مادی به شغل‌های دوم و سوم که در شائن معلمی نیست، پرداخته که نه تنها در انجام کار معلمی نا توانترش می کند بلکه بعنوان اسوه و الگو در جامعه، برای شاگردان خود سیاهی ذهن و بدبینی و انحراف فکری و بیهوده شدن و ... بوجود می آورد، و هرگونه شعله نور و معرفت را در افکار و ذهن دانش آموزان خاموش می گرداند . تازه اگر شخصیت محترمی باشد و برای جبران معاش به اضافه تدریس در خود آموزش و پرورش بپردازد، جز اتلاف وقت دانش آموزان ثمره ای ندارد

۲- تحول ساختاری در سیستم آموزش و پرورش

برای رفع موانع و چالش های فراروی آموزش و پرورش در بحث تولید علم و بستر سازی مناسب برای علمی کردن فعالیت ها در این حوزه ، نیاز به تغییر در ساختار سیستم آموزش و پرورش مشهود است . ساختار آموزش و پرورش در دو بعد کمی و کیفی مورد بررسی قرار می گیرد . در بعد کمی تشکیلات وسیع و حجیم با ساختاری تمرکزگرا، دیوان سالار و کم بازده به ساختاری غیر متمرکز و کوچک تر تبدیل میشود . نگاهداشت قدرت و تمرکز مسئولیت با تفویض آن به سطوح میانی و پایین تر تغییر شکل می دهد و در این میان واگذاری بخشی از مسئولیت ها به نهادهای مردمی مرتبط ، کم حجم کردن اداره ها و نهادهای دولتی از یکسو زمینه بروز خلاقیت ها را فراهم می آورد و از سوی دیگر از حجم بوروکراسی اداری کم بازده و وقت گیر می کاهد . مدیریت های ناکارآمد، اقتدارگرا و نا معطف نمی تواند بستر ساز حرکت هماهنگ با کاروان جهانی دانش امروز به جلو باشد . از این دیدگاه، ایجاد تغییر در ساختار آموزش و پرورش با راه بردهای کلان نگر، تدریجی و مستمر، دقیق و کارشناسانه می تواند توسعه کیفی در تولید علم را محقق سازد

آزمایش و خطاهای دائمی در تغییر نظام و محتوای کتب درسی، لطمات جبران ناپذیری به آموزش و پرورش وارد می آورد . تقسیم ناعادلانه امکانات آموزشی در مدارس و مشکلات معیشتی نیز مانع از آن می شود که دانش آموز انرژی، لبخند و نشاط لازم را از معلم دریافت کند . کمبود معلمان متخصص و علاقمند و آموزش دیده و آشنا با روان شناسی کودک ممکن است به تنزل کیفیت آموزشی منجر شود . ناآشنایی معلم با مراحل رشد روانی، اجتماعی، حرکتی و مسائل هیجانی- رفتاری کودکان لطمات فراوانی به کودکان وارد می آورد. از این رو، لازم است در گزینش معلمان به تخصص، دانش و حتی وضعیت ظاهری و آراستگی ظاهری این قشر که ساعاتی در روز را در ارتباط نزدیک و مستقیم با کودکان و نوجوانان هستند توجه بیشتری شود که این مستلزم ایجاد ساختاری منعطف در آموزش و پرورش است .

تبدیل فرایند یاددادن به یادگرفتن و استفاده از روشهای فراشناختی در آموزش از خط مشی های نو در توسعه کیفی آموزش و پرورش است . گذر از یاد دادن به یادگیری و آموزش راه بردهای مناسب برای خود یادگیری از رویکردهای جدید تعلیم و تربیت در جهان است که فراگیرنده را در فرایند یادگیری فعال می کند و این روش با معلمان آموزش دیده و محتوای درسی که دانش آموز را به تفکر وامی دارد همساز است، نه با محتوایی که مبتنی بر حفظ طوطی وار با کم ترین تفکر و تأمل است .

خلاصه سخن این که برای آماده کردن نسل حاضر برای زندگی در آینده، آموزش و پرورش باید با شناخت روح زمانه و نیازهای نشأت گرفته از آن، پاسخگوی تقاضاهای مبتنی بر شرایط جدید باشد و خود را با آن منطبق کند . با انباشت مسائل جهانی و ملی و دائماً پویا و تغییر پذیر، آموزش و پرورش ناگزیر است با تدوین راه بردهای منطقی و واقع بینانه خود را با حرکت نسل امروز هماهنگ کند و با مسائل حل نشده و اضطرابها و بحران های ناشی از آن روبه رو شود . از این رو اقدام به انجام دادن اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش بنا به تجربه سایر ممالک، زیر بنای توسعه در کشور ضرورت دارد.

نتایج:

- ۱- تولید علم وجنبش نرم افزاری از نظریه های جدیدی است که رهبر معظم انقلاب درچند سال اخیر بعنوان کلید پیشرفت وترقی ملت ایران و ضامن موفقیت برنامه ی چشم انداز بیست ساله مطرح نمودند وهمه ی سازمان ها وآحاد ملت را به حرکت دراین مسیر فراخواندند.
- ۲- تولید علم یکی از اولویت های کشوراست که نیازمندبررسی همه جانبه آن واریه راهکار وتشکیل اتاق های فکربرای حرکت دراین راستا است .
- ۳- آموزش وپرورش بعنوان اساسی ترین بخش وخواستگاه تولید علم می تواندنقش مهمی دربسترسازی وحرکت به سمت تبلور عینی این پدیده ایفا کند.
- ۴- ضرورت تولید علم، ممانعت از تسلط غرب وایدئولوژی غرب برمنابع ومنافع مسلمانان وایدئولوژی اسلام است وتولید علم ملاک برتری در دنیای امروز است
- ۵- موفقیت ایران اسلامی در رسیدن به هدف تولید علم ،بمعنی کارایی حکومت اسلامی واریه یک الگوی حکومتی جدید برمبنای دین مبین اسلام به سایر ملت ها وحکومت ها است.
- ۶- بنا به شواهد تاریخ وآزمایش عینی درمیدان های علمی وتائید مقام معظم رهبری ، ایرانی از هوش واراده برتر ووالاتری برخوردار است که درصورت داشتن برنامه ومدیریت صحیح نیروی انسانی واصلاح سیستم ، می توان بسیاری از قله های علم ودانش که هنوز فتح نشدنی هستند فتح نمود.
- ۷- با ایجاد راهکارهای جامع ومفید درخصوص بهره گیری از پتانسیل بالای نیروی انسانی در آموزش وپرورش واصلاح فرایند آموزش ، می توان به تحقق این هدف کمک نمود.
- ۸- ایران اسلامی با موفقیت در این زمینه می تواند باردیگر به اوج افتخار وقدرت علمی خود در دوره هایی مثل دوره بوعلی سینا وزکریارازی وفارابی و...برسد واز این راه، شکوه وعظمت اسلام را به دنیا ثابت کند.
- ۹- با استقبال از روحیه پرسشگری که ریشه درفطرت آدمی دارد وشکوفایی خلاقیت در محیط های آموزشی وخارج شدن از چهارچوب های معمول می توان مسیر تولید علم را هموارنمود.
- ۱۰- با اختصاص منابع وتزریق بودجه پژوهشی وتحقیقاتی به آموزش وپرورش ، می توان اقدامات اساسی در زمینه بسترسازی تولید علم واصلاح روند موجود انجام داد.

منابع :

- ۱- کریمی ، فرهاد .مدیریت مبتنی بر مدرسه به منزله اصلاح مدرسه . انتشارات نوین پژوهش ، ۱۳۸۲
- ۲- سینگ, راجا , روی . آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم ، چکیده از محسن پور , بهرام پژوهشگده تعلیم و تربیت . ۱۳۷۶ .

3. Brown, J.W. Technology , media, and methods. New york. Hill Book company, 1971.

4-www.danaee.com

5-www.kayhannews.ir

6- www.daneshpajoo.com

7- www.kkhec.ac.ir